

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی: "اتحادیه اسلامی" آرمانی برای جهان اسلام



به گزارش حوزه اندیشه [خبرگزاری تقریب](#)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حکم انتصاب ریاست جدید مجمع تقریب مذاهب اسلامی ضمن پیگیری مأموریت‌های گذشته‌ای که برای آن مجموعه معین کرده بودند، به مسأله‌ای نوسازی در دوران جدید اشاره کردند: «انتظار از مجمع تقریب آن است که با استفاده از ظرفیت بی‌انتهای عقلانیت اسلامی که در نیروهای فکری و علمی جهان اسلام وجود دارد، به‌ویژه برگزیدگان جوان و پرنشاط، گام بلندی در تقریب فکری و عملی مذاهب اسلامی، برداشته و حرکتی را که از چند دهه پیش آغاز شده، نوسازی نماید.» ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

به مناسبت ۱۹ مهرماه، سالروز تأسیس مجمع تقریب مذاهب اسلامی به دستور رهبرانقلاب اسلامی، بخش فقه و معارف پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری حمید والمسلمین الاسلام حجت از گفتاری KHAMENEI.IR

دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی، درباره مسئله نوسازی در مجمع تقریب را منتشر کرده است که متن آن در ادامه می آید:

* حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حکمی که برای دبیرکل جدید مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ابلاغ فرمودند به نکات کلیدی‌ای اشاره کردند و یکی از این نکات کلیدی بحث نوسازی بود که تکلیف شده مجمع تقریب این نوسازی را شکل بدهد. بر این اساس یک معماری جدیدی در حوزه‌ای تقریب و حوزه‌ای وحدت جهان اسلام طراحی شد. در این معماری جدید ما سعی کردیم که آرمان‌های انقلاب در جهان اسلام را با تأکید بر بیانیه‌ای گام دوم طراحی و تدوین کنیم، آنچه که الان عرض می‌شود مدل مفهومی این معماری هست. ما در پنج حوزه‌ای اصلی و پنج محور این معماری را شکل دادیم.

محور اول پرهیز از تفرقه‌گرایی و تعرض به یکدیگر در جهان اسلام است. محور دوم همکاری‌هایی است که در جهان اسلام باید شکل بگیرد. محور سوم هم‌افزایی است که باید بین ملل اسلامی شکل بگیرد. محور چهارم خودسازی ملل اسلامی است و همین‌طور رشد معنوی و اخلاقی در فضای عمومی جوامع اسلامی؛ و محور پنجم و آخر هم تمدن نوین اسلامی که به عنوان بزرگ‌ترین آرمان در نظام مقدس جمهوری اسلامی از سوی رهبر معظم انقلاب معرفی شد.

هر کدام از این پنج محور زیربخش‌هایی دارند و بعضی از زیربخش‌ها یکسری فرعیاتی هم در این مدل مفهومی برایش استخراج شده که من به طور خلاصه به سرفصل اینها اشاره می‌کنم. البته همه‌ی اینها راهبردها برایش تدوین می‌شود و بعد از تدوین راهبردها هر کدام از اینها تبدیل می‌شود به یک راهکارهای عملیاتی و پروژه‌هایی که بخش‌هایی از آن را ما در مجمع تقریب دنبال خواهیم کرد، بخش‌هایی هم مربوط به دستگاه‌های دیگر یا نهادهای مدنی دیگر یا کشورهای دیگر می‌شود که باید آنها هم ان‌شاءاً تبدیل به پروژه‌هایی بشود یا تبدیل به یک فرآیندهایی بشود که آن فرآیندها و پروژه‌ها ان‌شاءاً دنبال بشود.

در محور اول که پرهیز از تفرقه‌گرایی و تعرض به یکدیگر در جهان اسلام است در سه لایه و سه زیرمحور توصیف کردیم. اولین محور این است که پرهیز از جنگ بشود یعنی بین ملت‌های اسلامی جنگی رخ ندهد و بیشتر ترغیب کنیم به صلح و اصلاح. محور دوم عدم تنازع است و بیشتر ترغیب بشویم به همدلی و همدردی در جهان اسلام. در زیرمحور سوم گفتیم از مشاجره هم پرهیز بشود. از حرمت‌شکنی پرهیز بشود. از اینکه ما اهانت کنیم به مقدسات فرق و قومیت‌های مختلف هم پرهیز بشود.

دومین محور اصلی، همکاری در جهان اسلام است. یعنی بعد از اینکه

ما توانستیم با همدیگر جنگ نکنیم، دعوا نکنیم بد و بیراه به همدیگر نگوئیم، گام دوم این است که بتوانیم با هم همکاری کنیم و همکاری را هم ما در دو لایه تعریف کردیم. یکی احسان و دوستی با یکدیگر در سطح جهان اسلام است و یکی هم مقابله با دشمن مشترک است.

در حوزه‌ی مقابله با دشمن مشترک چهار محور داریم. اول اینکه ما باید دشمن مشترک‌مان را بشناسیم در جهان اسلام. حالا چه دشمنان جغرافیایی که فقط در لبه‌ی مرز جهان اسلام حضور دارند یا دشمنان بزرگتر دشمنان جهانی یعنی دشمنانی که در صحنه‌ی در مقیاس جهانی دشمن اسلام تلقی می‌شوند که در سلسله‌ی آنها آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی است. بعد از اینکه دشمن‌شناسی شکل گرفت گام دوم در همکاری این است که ما با دشمن مرز مشخصی را تعریف کنیم یعنی مرزبندی داشته باشیم با جهان استکبار. پس اولینش یک حوزه‌ی شناختی است که دشمن را بشناسیم دومی یک حوزه‌ی طراحی است، یعنی بتوانیم یک مرزی را تعیین کنیم که بگوئیم این نوع رفتارها رفتار حمایت استکبار است این نوع رفتارها رفتار ضدیت با استکبار جهانی است.

وقتی که مرزبندی مشخص شد حالا باید شروع کنیم به فرهنگ‌سازی. یعنی باید روحیه‌ی مقابله با دشمنان استکباری را ترویج کنیم.

خب در جهان اسلام هنوز ممکن است در سطح گسترده این روحیه وجود نداشته باشد که همه آماده باشند که با دنیای استکبار در تقابل باشند. ما باید روحیه‌ی مقابله با دشمنان استکباری را بین نخبگان - چه نخبگان درجه یک چه نخبگان درجه دو - و بین مردم و بین صاحب منصبان حکومتی و بین سازمان‌های غیردولتی (سمن‌ها) و سازمان‌های دولتی ترویج کنیم.

گام نهایی هم فعال بودن در حوزه‌ی جنگ نرم است. یعنی ما با دشمن مشترک‌مان صرفاً جنگ سخت نداریم صرفاً در حوزه‌ی محاصره‌ی اقتصادی و تحریم نیستیم بلکه در یک لایه‌ی سوم هم با آن مقابله می‌کنیم و آن لایه‌ی سوم جنگ نرم در حوزه‌ی رسانه است. یعنی ما باید فعال بشویم در حوزه‌ی رسانه با ابزارهای شبکه‌ای، با ابزارهای فراگیر در جهان اسلام و با ابزارهای امن یعنی ابزارها، ابزارهایی نباشد که خود دشمن از اینها استفاده کند برای شناسایی فعالان این حوزه، این ابزارها باید ابزارهای امنی باشد.

محور سوم هم تمسک به قرآن و محبت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است. یعنی ما معتقد هستیم اگر بخواهد همکاری در جهان اسلام شکل بگیرد این همکاری باید بر پایه‌ی دو محور کلیدی و اساسی باشد که همان تقلینی است که حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به آن

توصیه کردند که تمسک به قرآن و تمسک به اهل بیت است. ما می‌توانیم با این دو محور، محور احسان و دوستی با یکدیگر را در جهان اسلام شکل بدهیم و همکاری را در جهان اسلام به منصفانه‌ی ظهور برسانیم.

در این محور، یک وقت است که من با شما همکاری می‌کنم، یک وقتی است که با شما هم‌افزایی می‌کنم. یعنی ما می‌آییم امکانات را روی همدیگر می‌ریزیم، وقتی امکانات مان روی هم ریخته بشود، هم افزا بشود، یک کارهای جدیدی می‌توانیم بکنیم که ممکن است تک تک مان نتوانیم بکنیم. این حوزه‌ی هم‌افزایی ملل اسلامی را ما در پنج حوزه تعریف کردیم. هم‌افزایی در امنیت در جهان اسلام. هم‌افزایی در دانش در جهان اسلام. هم‌افزایی در قدرت سیاسی در جهان اسلام. هم‌افزایی در ثروت و هم‌افزایی در خدمت‌رسانی مشارکتی.

در حوزه‌ی امنیت ما اولاً باید از تسلط بیگانه بر جهان اسلام پیشگیری کنیم، این گام اول است - اینکه حالا می‌گوییم گام اول و دوم الزاماً زمانی نیست، در کنار همدیگر می‌تواند باشد - گام بعدی پیشگیری از تجزی و افتراق است، یعنی ما داخل یک کشور فرقه فرقه نشویم، کاری که امروز استعمار شدگی نو دارد دنبال می‌کند. یعنی یک وقتی بوده که مثلاً در استعمار کهنه، انگلیسی‌ها

می‌آمدند هند را تصاحب می‌کردند، یک وقتی با خود آن آدمهای خودی این استعمار را انجام می‌دهند. گام سوم ثبات امنیت بین دول اسلامی است، یعنی ما یک کاری کنیم اگر امنیتی بین مرزهای دو تا کشور اسلامی هست این امنیت ثبات پیدا کند، و در نهایت هم تمامیت ارضی در کشورهای اسلامی است. یعنی اگر یک کشور غیر اسلامی بخواهد به کشور اسلامی دست‌اندازی کند و بخشی از سرزمین را یا ثروتش را تصاحب کند ما باید تمامیت ارضی را در کشورهای اسلامی دنبال کنیم.

یک لایه‌ی دیگر هم افزایش ملل اسلامی، دانش است که چهار محور دارد. یکی رفع جهل و عقب‌افتادگی فرهنگی است، یکی از دلایلی که ما به جنگ بین کشورهای اسلامی دچار می‌شویم و داعش‌ها و جبهة‌النصره‌ها و این افراطی‌گرها میدان پیدا می‌کنند جهل است. گام دوم ایجاد بیداری اسلامی است. یعنی مردم متوجه بشوند که چه اهداف و آرمان‌هایی را اسلام دارد دنبال می‌کند. بینش سیاسی‌شان ارتقا پیدا کند، دشمن شناس بشوند. در گام سوم گسترش علم و فناوری در جهان اسلام است یعنی ما هم‌افزا بشویم، علم‌هایمان اگر ما دانش داریم این را به اشتراک بگذاریم با یک کشور اسلامی دیگر. آن کشور اسلامی دانشی دارد با ما به اشتراک بگذارد و هم‌افزایی بکنیم. اگر ما مثلاً بلدیم موشک بسازیم از خودمان

دفاع کنیم، محدود به خودمان نشویم این را به عراق هم بدهیم، به سوریه هم بدهیم که آنها هم بتوانند در مقابل دشمنان اسلام مقاومت کنند.

در گام نهایی که یک گام آرمانی هم هست این است که ما به قله‌های دانش جهانی و فناوری‌های پیشرفته در جهان اسلام دسترسی پیدا کنیم. باید ان‌شاءاً کل جهان اسلام به این درجه از رشد برسند که در حوزه‌ی‌های تک یا قله‌های دانش، من اسمش را گذاشتم قله‌های دانش و فناوری‌های پیشرفته برسیم، به آن نوکی که دانش بشری وجود دارد.

سومین محور هم افزایش در جهان اسلام، در قدرت سیاسی و به صورت کلی در قوا است. ما باید در جهان اسلام قدرت‌های سیاسی‌مان هم افزا بشود. ما یک پیشنهادی داریم برای جهان اسلام که این پیشنهاد در کشور خودمان موفق بوده و آن تأسیس نظام ارجح مبتنی بر نظریه‌ی ولایت فقیه است که امام تأسیس کردند و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تثبیت کردند. این نظام مبتنی بر اسلامیت و جمهوریت است به عنوان دو بال از قدرت سیاسی. ما این را به عنوان نظام ارجح به جهان اسلام عرضه و تبیین می‌کنیم. معتقد هستیم چهل سال است که این جواب داده و معتقد هستیم که در جهان اسلام بهترین مردم‌سالاری دینی که شکل گرفته همین مردم‌سالاری بوده که ما در

کشور خودمان داشتیم. در عین حال بنده جمع بندی‌ام این شده که این یگانه روش از تبیین قدرت سیاسی در جهان اسلام نیست. می‌تواند قدرت سیاسی به انحاء دیگری هم تبیین بشود.

اگر پیشنهاد ما برای مردم فلسطین این است که اینها به سرزمین خودشان برگردند از آن هجرت‌هایی که کردند، و رأی بدهند، هر چه رأی دادند همان درست است. حالا ممکن است به یک نظریه‌ای غیرولایت فقیه رأی بدهند یا مثلاً ممکن است یک مدل حکومتی مثل عراق داشته باشند، این هم یک مدل است.

در گام بعدی باید نظامات جایگزین مقبول دیگر در کشورهای اسلامی تبیین شود. یعنی اگر یک کشور اسلامی توانست یک مدل حکومتی دیگری غیر از آن چیزی که ما در ایران داشتیم معرفی کند ما صحنه را باز گذاشتیم هم برای تبیینش و هم برای اینکه توفیقش را نشان بدهد. معتقد هستیم این یک روگرفتی از فرمایشات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حل مشکل فلسطین است. همین روگرفتی است از نوع همکاری که ما با کشور عراق داریم. یعنی اینها نشان می‌دهد که پس ما می‌توانیم با یک مدل حکومتی دیگری هم همکاری داشته باشیم.

من وقتی حرف می‌زنم از اعتقاد کشورهای اسلامی به ولی‌فقیه به

معنایی نیست که در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است، یعنی ممکن است اعتقادمان باشد ولی فقیه برای همه‌ی جغرافیای جهان اسلام است اما این بروز و نمودی در قانون اساسی کشورهای دیگر ندارد. ما باید به یک مدل توفیق در جهان اسلام برسیم. حالا ما پیشنهادمان ولایت فقیه است. حالا ممکن است کشورهای دیگر پیشنهادات دیگری داشته باشند کما اینکه ما یک پیشنهاد دیگری را از فرمایشات رهبرانقلاب در حل مسأله‌ی فلسطین اقتباس کردیم که گفتند مردم بیایند رأی بدهند هر چه رأی دادند.

آرمان دیگری که اینجا داریم تأسیس «اتحادیه‌ی اسلامی» به معنی دقیق کلمه است. آن چیزی که امام فرمودند که کشورهای اسلامی دست به دست هم بدهند ما یک کشور اسلامی تأسیس بکنیم. اسم این یک کشور اسلامی را ما در این مدل مفهومی گذاشتیم اتحادیه‌ی اسلامی که البته یک آرمان بلندی است. باید ببینیم چه جوری به آن می‌توانیم نزدیک بشویم؟ ما الان ابایی نداریم از اینکه این ادبیات را تولید کنیم. بگوییم ما یک آرمانی در قدرت سیاسی داریم به نام اتحادیه‌ی اسلامی، که در آن یک کشور اسلامی تأسیس شده -حالا این یک کشور الزاماً منافاتی با اینکه در دلش چند تا کشور هم باشد ندارد - چطور ما اتحادیه اروپا داریم که چندین کشور که در حقیقت یک اتحادیه را شکل دادند، مرزهایشان را

برداشتند، پول واحد درست کردند خیلی اقدامات مشترک انجام می‌دهند، موضع‌گیری واحد سیاسی انجام می‌دهد. خب حالا ما می‌خواهیم با مدل اسلامی با الگوهای اسلامی با شعار اذان، با قبله‌ی واحد، با کتاب واحد، سنت واحد می‌خواهیم یک اتحادیه‌ی اسلامی تأسیس بکنیم، این آرمان ماست. این اتحادیه‌ی اسلامی یک آرمان بزرگ در این مدل مفهومی است و شاید ما در یک کلمه بخواهیم بگوییم آن هدف غایی برای این مدل مفهومی چیست، می‌گوییم آن هدف نهایی دست‌یابی به اتحادیه‌ی اسلامی است.

در حوزه‌ی هم‌افزایی ثروت ملل اسلامی چند محور را مدنظر قرار دادیم، یکی رفع فقر در جهان اسلام است. این راهکارهایی دارد. یکی مقابله با اسراف و مصرف‌گرایی است، باید از اسراف پرهیز کنند به خصوص در انرژی، به خصوص در دارایی‌های دیگری که کشورهای اسلامی دارند اسراف نشود. تولیدگرایی دانش‌بنیان با تأکید بر بهره‌مندی از جوانان یکی دیگر از راهکارهاست. مقابله با بیکاری در جهان اسلام، رعایت عدالت توزیعی در تقسیم منابع برای آحاد شهروندان جهان اسلام از دیگر راهکارهای این بخش است.

مورد دیگر بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های مادی جهان اسلام است. گاهی اوقات یک فرصت‌هایی پیش می‌آید، مثلاً باران یا برف زیادی می‌آید، باید بهره‌مندی حداکثری شکل بگیرد، این منابع به هدر

نرود. مورد بعدی مقاوم سازی اقتصاد کشورهای اسلامی است. در برابر تحریم و محاصره مقاوم بشوند. بالاخره ما باید مبادلات بین المللی مان را زیاد کنیم. با استفاده از ظرفیت مردمی و جدایی از اقتصاد نفت بنیان و تک محصولی. یکی از محورهایی که رهبرانقلاب هم اخیراً به آن اشاره کردند این بود که ما از اقتصاد نفت بنیان خارج بشویم. البته رهبرانقلاب این فرمایش را در اقتصاد مطرح کردند، من یک اعتقاد شخصی دارم که ما در حوزه های فرهنگ هم باید از تکیه بر نفت جدا بشویم وگرنه فرهنگ مان جهانی نخواهد شد. فرهنگ اسلامی اگر می خواهد جهانی بشود باید از تکیه بر نفت خواری و تک محصولی جدا بشود و خودش کسب و کار خودش را در درون خودش ببیند. من معتقدم فرهنگ هایی با دوام خواهند بود که بنیاد اقتصادی اش را در درون آن فرهنگ تعریف کرده باشد. اگر این فرهنگ مدل اقتصادی توجیه پذیر داشته باشد، تداوم پیدا می کند وگرنه متکی می شود به آن نفت یا هر محصول دیگری که یک کشور اسلامی دارد، آن که تمام بشود این فرهنگ هم باید جمع بشود برود.

همچنین تعامل اقتصادی با جهان خارج نیز مهم است. می گوئیم اقتصاد درون را باید باشد ولی گرایشات مان اینجور نیست که فقط در درون جهان اسلام باشد. اگر به اتحادیه های اسلامی دست پیدا

کردیم باید برون‌گرا باشد، یعنی با جهان خارج از خودش اهل تعامل باشد، با جهان کفر مبادله داشته باشد. کما اینکه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با جهان کفر مبادله داشت. همه‌اش که ما نباید با همه جنگ کنیم.

در نهایت و آخرین نکته ما باید نشان‌سازی یا برندسازی اسلامی داشته باشیم. یعنی ما وقتی تولید ثروت می‌کنیم باید نشان داشته باشیم. الان ما توانستیم کلمه‌ی حلال را برند کنیم. یعنی شما در فروشگاه‌های بزرگ در کل دنیا که می‌روید، روی بعضی اجناس برچسب «حلال» خورده است، این خیلی مهم است در حوزه‌های مختلف باید برندسازی شکل بگیرد.

در محور پنجم هم افزایش، خدمات مشارکتی بین ملل اسلامی باید شکل بگیرد. یعنی ما نیازمندی در جهان اسلام داریم که باید اینها شناسایی بشوند و ما بتوانیم ابزارهای مبادلاتی را شکل بدهیم. اولاً بانک‌های اطلاعاتی جهان اسلام را از نخبگان و اندیشمندان و گروه‌ها و احزاب و گرایش‌ها و حتی مردم نیازمند باید شکل بدهیم، ظرفیت‌های انسانی و بانک‌های اطلاعاتی خودمان را شناسایی کنیم. بعد شبکه‌ی ارتباطاتی ایجاد کنیم بین اینها. یعنی در جهان اسلام ابزارهای فناورانه بیایند کمک ما تا بتوانیم دو نفر را در جهان اسلام که شناسایی کردیم اینها با همدیگر ارتباط

بگیرند. این ارتباط گیری ها باعث هم افزایی می شود. یعنی اگر می خواهیم ثروت مان را هم افزا باشیم در قدرت سیاسی هم افزا باشیم، در عرض کنم به حضور شما که در امنیت، در دانش هم افزا بشویم، خب ما باید بتوانیم ارتباط ایجاد بکنیم در جهان اسلام. الان سه و نیم میلیارد از مردم دنیا در اینترنت حاضرند این تا سال ۲۰۳۰ برآورد شده که به پنج میلیارد می رسد. ما باید در بخشی از این پنج میلیارد که جهان اسلام هست باید بستر این ارتباطات را فراهم کنیم. این بستر هم باید بستر امن باشد نه بستری که دشمن از آن بهره برداری می کند.

می دانید که فضای مجازی سه لایه دارد، یکی لایه ای اطلاعاتی است که سونومی اطلاعاتی در آن شکل گرفته، یکی لایه ای ارتباطاتی که سونومی ارتباطات در آن شکل گرفته، یکی هم لایه ای خدماتی است که کالا و خدمات عرضه می شود در بسترهای شبکه ای. حتی با پول مجازی خدمتی از یک جای دنیا به یک جای دیگر می رود. ما باید بتوانیم آن پول مجازی را در جهان اسلام شکل بدهیم. ما وقتی که این سه لایه را تمام کنیم ما یک مفهومی داریم به نام وحدت امت اسلامی. یک مفهومی داریم به نام اتحادیه ای اسلامی که از ترکیب اینها تأسیس شده است. فرق این وحدت امت اسلامی با اتحادیه ای اسلامی این است که اتحادیه ای اسلامی وارد فضای قوای سه گانه ای مجریه و

مقننه و قضائیه می‌شود. وارد لایه‌ی دولتی می‌شود از لایه‌ی ملتی وارد لایه‌ی دولتی می‌شود.

بنابراین وحدت امت اسلامی و اتحادیه‌ی اسلامی از این سه محور کلیدی تأسیس شده: محور اول پرهیز از تفرقه، محور دوم همکاری، محور سوم هم افزایی. در کنار این سه لایه یک لایه‌های عمودی داریم که در تمام این محورها رسوخ پیدا می‌کند که همان محور چهارم و عبارت است از خودسازی ملل اسلامی. همه‌ی این همکاری‌ها، هم افزایی‌ها، دشمن‌شناسی‌ها برای این است که به خدا نزدیک بشویم، برای اینکه اسلام به منصفه‌ی ظهور برسد، برای اینکه انسان نشان بدهد خلیفه‌ی به جا و به حق برای خداوند در صحنه‌ی هستی هست. برای اینکه تابع قرآن و تابع سنت نبوی باشیم. ما نمی‌خواهیم صرفاً یک کشوری پیشرفته و در حال توسعه یافته بشویم، می‌خواهیم مسلمان خوبی باشیم، می‌خواهیم احساس معیت با خداوند متعال بکنیم.

محور چهارم زیر بخش‌هایی دارد، اولاً ما باید به عقائد عمومی و اعتقادات عمومی که همه، بین همه‌ی مسلمانان مشترک است پایبند باشیم، قبله‌ی واحد، کتاب واحد، پیامبر ختمی مرتبت، سنت نبوی، اینها اموری هست که عقائد مشترک ماست، پایبندی به این عقاید مشترک گام اول است. پایبندی به شریعت و عبادات اسلامی هر کسی

طبق مذهب خودش. برخی مسلمانهایی مشاهده می‌کنیم که حالا شهادتین می‌گویند ولی خیلی اهل نماز و روزه و این چیزها نیستند، این باید اصلاح بشود. همه باید نمازخوان باشند، همه باید روزه دار باشند، اهل زکات و صدقات و اعتکاف و ذکر و دعا و پایبندی اسلامی باشند.

در گام سوم هم ترویج صفات اخلاقی است، یعنی یک مسلمان باید راستگو باشد، شجاع باشد، عقیف باشد، احساس برادری کند، ایثار کند، تواضع و توکل داشته باشد، اینها هم از اوصاف اخلاقی یک مسلمان. اینها باید رعایت بشود تا ما یک جامعه‌ی اسلامی در عقائد، در تعهد عملی به شریعت و در ترویج صفات اخلاقی داشته باشیم. همین طور باید مبارزه با فساد و اجرای عدالت اجتماعی در سرلوحه‌ی این به اصطلاح خودسازی قرار بگیرد. از دنیاپرستی و مال پرستی و دنیاگرایی پرهیز بشود، از جاه طلبی و مقام پرستی پرهیز بشود. ترویج ساده زیستی و پاکدستی بشود، ترویج روحیه‌ی جهادی در مدیران حکومتی باشد. مدیران نیایند به عشق مثلاً گرفتن حقوق دلاری یا حقوق‌های آن چنانی مدیر بشوند.

محور بعدی ایجاد نهادهایی برای اصلاح حاکمان و پیشگیری از فساد و در صورت عدم امکان افشای کارگزاران فاسد است. ما باید نظامات آن اتحادیه‌های اسلامی یک سازمان بازرسی اسلامی داشته باشیم،

اجازه ندهیم که مدیران فاسد دست به فساد بزنند و ثروت ملی را ببرند.

رونق مساجد و فضاهای دینی یکی دیگر از محورها هست، تقریب بین مذاهب اسلامی و تقویت اخوت اسلامی در عین حال که هر کسی عقیده‌ای خاص و اعمال شرعی خاص خودش را دارد. محور آخر ایجاد بسیج مقاومتی هست. ما معتقد هستیم که مردم باید در صحنه باشند، اگر مردم در صحنه نباشند این اتحادیه اسلامی شکل نمی‌گیرد. در هر منطقه‌ای آن روحیه‌ی جهاد سازندگی که در کشور خودمان تجربه داشتیم باید شکل بگیرد.

محور آخر که آرمان بزرگ نظام جمهوری اسلامی هست به تعبیر رهبر معظم انقلاب تأسیس تمدن نوین اسلامی هست. من معتقد هستم که به تنهایی نمی‌توانیم تمدن نوین اسلامی را شکل بدهیم، اگر آن هم افزایی و همکاری نباشد و آن تفرقه باشد ما تمدن نوین اسلامی را نمی‌توانیم شکل بدهیم.

آن چیزی که ما گفتیم یک مدل برای اتحادیه‌ی اسلامی است. همه‌ی دستگاه‌ها باید کمک بدهند، باید کل جهان اسلام کمک بدهند تا این شکل بگیرد. ابتکاری که ما در مجمع تقریب به خرج دادیم و من کمتر جایی دیدم این است که ما یک مدل مفهومی عرضه کردیم. اگر

می‌خواهید به امت واحده‌ی اسلامی و اتحادیه‌ی اسلامی برسید این موارد را باید دنبال کنید.

یکی از مطالبات رهبر معظم انقلاب در احکام دبیرکل‌های پیشین، دستیابی به امت واحده‌ی اسلامی بود. خب ما چه جوری می‌خواهیم امت واحده مثلاً ما در این سازمان کوچک به امت واحده اسلامی که نمی‌رسیم. خب خیلی‌ها باید کمک بدهند تا ما به امت واحده‌ی اسلامی برسیم. این چیزی که ما گفتیم معماری جدید دستیابی به امت واحده‌ی اسلامی و اتحادیه‌ی اسلامی و معماری جدید تقریب هست، ما اینجا بر اساس بیانیه، با عنوان بیانیه‌ی گام دوم با تمرکز در حوزه‌ی بین الملل این را ارائه کردیم. هر چیزی هم که من در این مدل گفتم یا فرمایش خود حضرت آقااست یا در بیانیه‌ی گام دوم به آن تصریح شده، یا اشاره شده و ما از کلمات ایشان اقتباس کردیم یا علاوه بر اینکه اقتباس کردیم در بعضی مفاهیم یک چیزهایی اضافه کردیم.

اینها را عرضه می‌کنیم به جهان اسلام و جهان اسلام نقد می‌کند، بررسی می‌کند ما اصلاح می‌کنیم. این یک پیش نویس مدل مفهومی است. اگر این نقد و بررسی‌های لازم در این زمینه انجام بشود که من معتقد هستم خیلی زود به نقد خواهد گذاشته شد و ما نسخه‌ی بعدی را عرضه خواهیم کرد.

